

بررسی فقهی - حقوقی حدود و ضوابط ادراک و تمییز (مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، قوانین موضوعه و روانشناسی رشد)

مهدی ناصحی^۱، عبدالله مختاری^۲
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۰)

چکیده

اصطلاح تمییز در لسان فقها و حقوقدانان همواره فارق بین دو دسته کودکان است. اما معیار و ملاک تشخیص تمییز کودکان چیست؟ این پژوهش با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در صدد تبیین معیارهای تمییز و تعیین ضابطه دقیق آن بر اساس یافته‌های فقهی و علوم شناختی است. سن، مراهق بودن، به‌درستی انجام دادن عمل، قد کودک و در آخر درک و شناخت کودک از جمله حدود و معیارهای تمییز است. با این حال حد اساسی تمییز، معیار شناختی بوده و بنابراین چنانچه کودکی ماهیت افعال، سود و زیان و نیک و بد اعمال را تشخیص دهد، به چنین درجه‌ای از درک و فهم و تمییز رسیده است. در نتیجه سن و سایر حدود تمییز اماره این درک و فهم اوست. همین ادراک کودک او را از کودک دوره قبل متمایز می‌کند، از این‌رو در روایات چنین کودکی آماده یادگیری حلال و حرام بوده و پذیرای عمل به برخی احکام است. در ماده ۹۱ ق.م.ا، سه معیار درک ماهیت افعال، درک حسن و قبح امور و درک تبعات اجتماعی عمل ذکر شده است که بنا بر معیارها، صغار غیرمتمیز به دلیل فقدان ادراک ماهیت افعال، بیرون از عنوان تمییز هستند،

-
۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران / mahdi.nasehi15@gmail.com
 ۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / bmmokhtary132@gmail.com

اما صغار ممیز علاوه بر درک ماهیت افعال نسبت به حسن و قبح امور نیز ادراک دارند، از این رو «عبادات آنها شرعیت دارد»، اما از آن جهت که نسبت به تبعات اجتماعی عمل خود درکی ندارند، بر اساس مواد ۱۲۱۲ و ۱۲۱۵ قانون مدنی معاملات آنها جز تملک بلاعوض باطل و بلااثر است در امور جزایی نیز به همین دلیل و بر اساس ماده ۱۴۶ و مفاد ماده ۹۱ ق.م.ا.کودکان میرا از مسئولیت کیفری هستند.

کلیدواژه‌ها: تمییز، صبی ممیز، حدود تمییز، روانشناسی رشد، مذاهب خمسه.

طرح مسئله

توجه تکالیف به انسان منوط به بلوغ است و لذا انسان بالغ را مکلف گویند. در مقابل شخص بالغ، صبی قرار دارد. صبی کسی است که به حد بلوغ نرسیده است. صبی بر دو قسم است: ۱. صبی ممیز: کودکی که بتواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد صبی ممیز است؛ ۲. صبی غیرممیز: کودکی که فاقد این قوه تشخیص باشد صبی غیرممیز است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۴۱۷).

به اتفاق فقها، کودک غیرممیز مشمول هیچ حکمی از احکام تکلیفی هر چند احکام مستحبی، قرار نمی‌گیرد، زیرا توانایی قصد کردن و تشخیص امور را ندارد و نمی‌تواند مفاهیم را در ولی کودک ممیز مشمول برخی از احکام اعم از احکام تکلیفی، استحبابی و حقوقی می‌شود (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۱۱۰۳).

مراحل عمر انسان به پنج دوره تقسیم شده است: ۱. جنین؛ ۲. طفولیت؛ ۳. تمییز؛ ۴. بلوغ؛ ۵. رشد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۱۹، ص ۱۵۶). در دوره سوم که دوره تمییز است، کودک قابلیت و قدرت پیدا می‌کند که خیر را از شر و حسن را از قبیح، نفع را از ضرر ولو به صورت اجمالی و جزئی و سطحی تشخیص دهد. صبی ممیز از نظر فقهی دارای ظرف و ادراکی است که اجمالاً خطاب شرعی، معانی عبادات و معاملات و نتایج آن را درک می‌کند (همان، ج ۱۹، ص ۱۶۰).

اینکه آغاز این مرحله از چه زمانی است، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. آنچه در جامعه امروزی مشاهده می‌شود این است که افعال و اعمال صبی خصوصاً معاملاتی که انجام می‌دهد و یا جرم و جنایتی که مرتکب می‌شود، در فرضی که دارای تمییز باشد (صبی ممیز)، آثار و احکامی دارد که این آثار و احکام بر افعال و اعمال صبی غیرممیز

مترتب نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۲۵۵). اما نکته مهم تشخیص تمییز و حدود آن است.

بنابراین بازشناسی ماهیت تمییز و حدود تمییز و چگونگی تشخیص و احراز آن نکته‌ای است که در ترتب این آثار و احکام نقش اساسی دارد. در واقع در مقام اثبات تمییز باید احراز گردد و سپس آثار و احکام بر آن بار شود. از منظر حقوقی نیز در مقام دعاوی حقوقی مثل دعاوی خانوادگی یا دعاوی جزایی و دادگاه اطفال و نوجوانان تعیین حدود تمییز نقش آفرین است. بنابراین لازم است حدود تمییز مشخص شود و معیاری برای تمییز ارائه گردد. سؤال اساسی در این تحقیق آن است که چگونه تمییز یک کودک قابل تشخیص است؟ و حدود تمییز چیست؟ در این پژوهش که بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، توصیفی و بر اساس روش، به صورت جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای است، ابتدا حدود تمییز از روایات و عبارات فقهای عامه و خاصه ذکر می‌شود و سپس تمییز در علم روانشناسی و قوانین بررسی می‌شود.

معیار تمییز در فقه مذاهب خمسسه

۱. معیار سنی

یکی از معیارها و ضوابطی که برای تمییز ذکر شده است معیار سنی است. برخی فقهای امامیه از جمله طوسی و حلی سن خاصی را به عنوان تمییز ارائه داده‌اند. این سن در کلمات برخی هفت و هشت سالگی و برخی ده سالگی معرفی شده است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۳۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۳۱). سلار دیلمی در کتاب مراسم می‌نویسد: «صبی غیر بالغ بر دو قسم است: ۱. صبی غیربالغ که به سن ده سالگی رسیده؛ ۲. صبی زیر ده سال است...» (سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳). طوسی در نهاییه نیز سن ده سال را بیان می‌کند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۵۱۸). حلی می‌گوید: «صبی ممیز کودکی است که ده سال و بیشتر سن دارد» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۶۰).

فرزند حلی، مرحوم فخرالمحققین در ایضاح می‌نویسد: «صبی بر دو قسم است: یا صبی غیر ممیز است یا صبی ممیز. شهادت صبی غیر ممیز اجماعاً مسموع نیست و اما در مورد صبی ممیز یا به ده سالگی رسیده است یا کمتر از ده سال است، در حالتی که زیر ده سال باشد، شهادت او در غیر قصاص، قتل و جراحت پذیرفته نیست» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق،

ج ۴، ص ۴۱۷). موسوی عاملی می‌نویسد: «اصحاب در طلاق صبی ممیز که به سن ده سالگی رسیده باشد اختلاف دارد اما در بطلان طلاق صبی غیرممیزی که به ده سالگی نرسیده اتفاق دارند» (موسوی عاملی، *نهایه المرام*، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷). نجفی می‌نویسد: «قسم صغیر هر چند ممیز باشد و به ده سال رسیده باشد منعقد نمی‌گردد» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۲۵۵). فاضل مقداد می‌گوید: «صبی ممیز در سن هفت سالگی وادار به واجبات می‌شود و البته در صورتی که کودک توانایی داشته باشد» (فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۷۱).

معیار سنی برای تمییز در فقه اهل سنت نیز مطرح است. بیشتر فقهای اهل سنت سن تمییز را هفت سالگی می‌دانند. برخی از شافعیه سن تمییز را هفت یا هشت سالگی می‌دانند (نووی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۳۴). شافعی در الام بدین مطلب تصریح دارد (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، صص ۱۱۷ و ۱۵۸). در تفسیر قرطبی آمده است: «شافعی می‌گوید هرگاه کودک به هشت سالگی برسد که این سن تمییز است، بین انتخاب یکی از پدر و مادر مخیر است، چرا که در این سن کودک انگیزه برای یادگیری قرآن پیدا می‌کند و متمایل به انجام عبادت است و این ملاک در دختر و پسر یکسان است» (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۳، ص ۱۶۴). با این حال نووی تصریح می‌کند که تمییز، بستگی به کودک دارد و برخی از کودکان هفت سالگی، برخی زودتر و برخی حتی ده ساله یا بزرگتر شوند تمییز برای آنها حاصل نمی‌شود. «زمان تمییز در هر کودکی متفاوت است، برخی از کودکان در سن هفت سالگی ممیز می‌شوند و برخی پیش از این سن و برخی ممیز نمی‌شوند ولو به هفت سالگی یا ده سالگی و بیشتر برسد» (نووی، ۲۰۰۵م، ج ۴، ص ۲۱۶).

برخی دیگر از فقهای اهل سنت در این خصوص بیان می‌کنند: «جمهور فقها قائل به تفریق بین مادر و کودک تا سن تمییز (یعنی تا هفت سالگی) هستند» (خطیب شربینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸). مرادوی دیگر عالم اهل سنت می‌نویسد: «بیشتر اصحاب قائل هستند که سن تمییز هفت سالگی است» (مرادوی، بی تا، ج ۹، ص ۴۳۰). حنابله و حنفیه و برخی از مالکیه نیز آغاز سن تمییز را هفت سالگی می‌دانند. بهوتی می‌گوید: «... نماز کودک غیرممیز صحیح نیست، زیرا شرط نماز که نیت باشد را ندارد، ولی نماز کودک ممیز صحیح است. در کتاب مطلع گفته شده صبی ممیز کودکی است که خطاب شرع را درک کرده و توان اجابت آن را دارد، ولی سن مشخصی ندارد و بلکه به اختلاف فهم کودکان متفاوت

است» (بهوتی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۴). سرخسی از علمای اهل سنت در کتاب خود به نام مبسوط می نویسد: «دادن مال و اجازه تصرفات مجاز به کودک زمانی است که عاقل گردد، رسول خدا ﷺ به عمر بن ابی سلمه فرمود: برخیز و مادرت را به ازدواج رسول خدا ﷺ درآور، درحالی که عمر هفت ساله بوده است» (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۲۲). با توجه به روایت مورد استناد سرخسی «عمر» که هفت ساله بوده تزویج مادرش به رسول خدا ﷺ مجاز است و بنابراین هفت سالگی ملاک تمییز در نظر گرفته شده است. هم چنین روایات دیگری نیز مستند واقع شده است و از جمله: «به کودکان در سن هفت سالگی نماز را یاد دهید.» هم چنین از رسول خدا ﷺ روایت شده است: «فرزندانتان را در سن هفت سالگی به نماز تمرین دهید و در سن ده سالگی تنبیه کنید و بین رختخواب آنان جدایی افکنید» (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۲). چه بسا دلیل برخی از آنها این باشد که هفت سالگی کودک، آغاز بی نیازی و استقلال نسبی کودک در خوردن و آشامیدن و لباس پوشیدن است (ابن عابدین، بی تا، ج ۷، ص ۵۳۰). شافعیه برای سن هفت سالگی به روایت «هرگاه کودک راست و چپ خود را تشخیص دهد او را تمرین به نماز دهید»^۳ استناد کرده اند (البانی، بی تا، ج ۱، ص ۲). به نظر می رسد این روایات همه نشانه‌ای از یک رشد شناختی در کودک باشد که بنا بر آن هرگاه کودک به چنین درک و تمییزی برسد، ممیز محسوب می شود.

زحیلی از قول مذهب حنفیه و مالکیه می نویسد: «صغیر یا ممیز است یا غیر ممیز و غیر ممیز کودکی است که هفت سال او تمام نشده است و ممیز کودکی است که هفت سال او تمام شده است و دلیل این مطلب روایت از رسول خدا ﷺ است که فرمود: فرزندان را به نماز تمرین دهید در حالی که هفت ساله هستند» (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۴۶۷). قانون مدنی الجزایر به موجب ماده ۴۳ مقرر می دارد که صبی ممیز شخصی است که ۱۳ سال را تمام کرده است. در ماده ۴۲ مقرر می دارد که سن رشد ۱۹ سال است. مواد ۱۲۴۵ و ۱۲۱۰ قانون مدنی مصر نیز سن تمییز را هفت سال اعلام کرده است.

سنهوری صاحب «الوسیط» دوره‌های طبیعی انسان را از تولد تا مرگ به سه دوره تقسیم کرده است: ۱. از ولادت تا سن تمیز؛ ۲. از سن تمیز تا سن بلوغ؛ ۳. از سن بلوغ تا

۳. «إذا عرف الصبی یمینه من شماله فمروهُ بالصلاه.»

مرگ. سپس ذیل مواد ۱۲۴۵ و ۱۲۱۰ قانون مدنی مصر بیان می‌دارد: «سن تمیز هفت سال معین می‌گردد و هر کسی که به هفت سالگی نرسیده است فاقد تمیز است و در نتیجه، اهلیت ندارد و صغیر غیر ممیز حق تصرف در مال خود را نداشته و جمیع تصرفات او باطل است.»^۴

در اینجا دو نکته قابل ذکر است: اگر بنا به ذکر معیار سنی برای تمیز است، چرا در این معیار تفاوت وجود دارد؟ پاسخ این پرسش آن است که محدوده سنی تعارضی ندارد، زیرا منظور از سن ۷ یا ۸ سالگی در تمیز، ابتدا و آغاز تمیز است و کودک در آغاز از تمیز ابتدایی برخوردار است و همین مقدار تمیز در عبادات کفایت می‌کند؛ مثلاً کودک هفت ساله که بتواند نماز را و لو به نحو ساده درک کند واجد تمیز است، اما در معاملات آن مقدار تمیز در عبادات کفایت نمی‌کند. به عبارت دیگر معاملاتی چون طلاق، عتق و وصیت و صدقه که در مورد آنها به درجه بالایی از فهم نیاز است، با رسیدن به سن ده سالگی و بالاتر، مرحله تمیز آغاز می‌گردد. ولی در مثل نماز این‌گونه نیست، زیرا برای بعضی از افراد، صرف انجام آن کفایت می‌کند و از این‌رو رسیدن به سن هفت سالگی و حتی کمتر از آن کافی است. شاهد این جمع نیز کلام حلی در تذکره است. ایشان می‌فرماید: «هرگاه کودک به هفت سالگی برسد، بر پدرش لازم است که طهارت و نماز را به او تعلیم دهد و نماز جماعت و حضور در آن را به او یاد دهد، تا بدان عادت کند، زیرا این سن [هفت سالگی] سنی است که تمیز در عبادت برای کودک حاصل می‌شود و اگر به سن ده سالگی برسد، به عبادات وادار می‌شود، هرچند این عبادت واجب نباشد، چرا که این عبادت مشتمل بر لطف است که همان عادت و تمرین است»^۵ (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۳۵).

بنابراین همان‌طور که عبارات فقها گویای این مطلب است هفت سالگی آغاز تمیز صبی است و در عبادات همین مقدار کفایت می‌کند. در ده سالگی کودک از تمیز مناسبی

۴. «تقدر سن التمییز بسبع سنوات و کل من لم یبلغ السابعة فاقد للتمییز معدوم الاهلیه و لیس للصبی غیر الممییز حق التصرف فی ماله و تكون جمیع تصرفاته باطله.»

۵. «إذا بلغ الطفل سبع سنین، کان علی أبیه أن یعلمه الطهارة و الصلاة و یعلمه الجماعة و حضورها، لیعتادها، لأن هذا السن یحصل فیہ التمییز من الصبی فی العبادة و إذا بلغ عشر سنین، ضرب علیها - و إن کانت غیر واجبة - لاشتماله علی اللطف و هو: الاعتیاد و التمرن.»

برخودار است و بنابراین در معاملات سن ده سالگی معیار قرار داده شده است. ناگفته پیداست در برخی عبادات علاوه بر همان تمییز ابتدایی (آغاز هفت سالگی) توان و طاقت کودک مدنظر قرار گرفته شده است که در معیار توانایی بررسی خواهد شد. هم-چنین این گفته منافاتی با این مطلب ندارد که چه بسا کودکی زودتر از هفت سالگی به تمییز برسد یا کودکی ولو ده ساله باشد ولی به تمییز نرسیده باشد، چراکه این موارد استثناء است و سن هفت و ده سال جنبه غالبی و نوعی دارد.

ابن قدامه در معنی شبیه همان مطلبی که حلی در تذکره (همان جا) ذکر کرده را بیان می‌کند. وی می‌نویسد: «تمییز مقید به هفت سالگی شده، چراکه این سن اولین وضعیتی است که شرع در آن امر به صلات کرده است»^۶ (ابولحیه، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۱).

نکته دوم که در اینجا قابل ذکر است و در نقد این معیار می‌باشد آن است که تمییز یک جنبه شناختی دارد و بنابراین نمی‌توان سن را معیاری برای سنجش آن قرار داد. پاسخ این اشکال این چنین بیان می‌شود که سن یک معیار غالبی است. کما اینکه در بلوغ نیز سن، یک معیار غالبی است. لذا ممکن است تمییز و بلوغ زودتر یا دیرتر از سن مشخص شده رخ دهد. ولی این به ندرت اتفاق می‌افتد. بنابراین به عنوان یک معیار غالبی سن معیار مناسبی است که جنبه تقنین نیز در آن جود دارد، اما باید توجه داشت کارشناسان و قضات در احراز و اثبات آن علاوه بر سن معیارهای دیگری نیز در نظر بگیرند.

۲. معیار شناختی

تحقق قوه ادراک در کودکان اختصاص به سن معین ندارد. بلکه بستگی به شخصیت، استعداد و ادراک آنها دارد. یعنی کودکانی که از ادراک و استعداد بالاتری برخوردارند زودتر ممیز می‌شوند و هم‌چنین موارد آن مختلف است. بنابراین در طلاق، عتق، وصیت و صدقه که در مورد آنها به درجه بالایی از فهم نیاز است با رسیدن به سن ده سالگی و بالاتر، مرحله تمیز آغاز می‌گردد. ولی در نماز این گونه نیست. زیرا برای بعضی از افراد صرف انجام آن کفایت می‌کند. از این رو رسیدن به سن هفت سالگی و حتی کمتر از آن نیز کافی است. از برخی روایات نیز این ملاک قابل برداشت است. در روایتی سماعه از امام

۶. «قیدناه بالسبع لأنها أول حال أمر الشرع فيها بمخاطبته بالأمر بالصلاة.»

صادق علیه السلام سوال کرد: «اگر جوان نابالغ، همسر خود را طلاق بدهد و یا از اموال خود صدقه‌ای مقرر کند، چه صورت دارد؟ فرمود: اگر بر اساس کتاب و سنت طلاق بدهد و صدقه را به حق و درستی در مورد مناسب آن قرار دهد، اشکالی ندارد، طلاق و صدقه او جایز خواهد بود»^۷ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲۴). در روایت دیگری محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند: «در چه سنی نماز خواندن، بر کودکان واجب می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود: موقعی که معنای نماز را درک کنند. عرض کردم در چه سنی می‌تواند معنای نماز را درک کند؟ فرمود: در سن شش سالگی»^۸ (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۴۰۸). در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «کودک در هفت سال اول سید و مولی است، در هفت سال دوم عبد است و در هفت سال سوم وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم مورد رضای تو بود، فیها و الا به پهلوی او بزن (او را به حال خود رها کن) که نزد خداوند متعال معذوری هستی.» هفت سال دوم کودک مطیع اوامر و نواهی والدین است. تعبیر روایت از این دوره «عبد» است که حاکی از تبعیت او از والدین است. دوره دبستان بهترین دوران از جهت تعلیم و تربیت است. در این دوره از یک سو کودک از آرامش و ثبات برخوردار است و از سوی دیگر ویژگیهای روانی، آمادگی کاملی برای تربیت‌پذیری و ادب‌آموزی در وی به وجود می‌آورد.

بنابراین قوه تشخیص کودک نسبت به اموری که در زندگی اجتماعی با آن برخورد می‌کند، مختلف است (رضایی زارچی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۲). چنان‌که کودک سود و زیان و آثار و احکام بعضی از آنها را در سن پایینتر درک می‌کند، مانند قبح بسیاری از اعمال کیفری از قبیل سرقت، قتل، جرح، ضرب و امثال آنها و بعضی امور دیگر را در سن بالاتر می‌فهمد، مانند عقود و ایقاعات. صغیر در سن پایینتر می‌تواند مقتضا و آثار بیع و هبه را که واگذاری مال با عوض و یا بدون عوض است، بفهمد ولی در آن سن نمی‌تواند مقتضای نکاح و طلاق و آثار آن را متوجه شود. هم‌چنین قوه تشخیص صغار در سن معین متفاوت

۷. «عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ طُلُقِ الْغُلَامِ لَمْ يَحْتَلِمِ وَ صَدَقْتِهِ فَقَالَ إِذَا طَلَّقَ لِلسُّنَّةِ وَ وَضَعَ الصَّدَقَةَ فِي مَوْضِعِهَا وَ حَقَّهَا فَلَا بَأْسَ وَ هُوَ جَائِزٌ.»

۸. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیه السلام فِي الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّي فَقَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَى يَعْتَقِلُ الصَّلَاةَ وَ تَجِبُ عَلَيْهِ فَقَالَ لَسْتُ سَنِينَ.»

است. ممکن است بعضی در سن معین، چیزی را تشخیص دهند و سود، زیان، آثار و احکام آن را بفهمند، ولی بعضی دیگر در همان سن آن را درک نکنند. بنابراین ممکن است کودک نسبت به امری ممیز باشد و نسبت به امر دیگری غیرممیز. یا کودک صغیری چیزی را تمییز دهد و دیگری در همان سن از تمییز آن محروم باشد.

مرحوم کاشف الغطاء ذیل مؤاخذة صبیان می‌گوید: در باب صبی ممیز روایات مختلف است، دسته از روایات به سن اشاره دارد. سنین پنج، شش، هفت و هشت سالگی در روایات وارد شده است. دسته دیگر از روایات به مراهق بودن و توانایی کودک اشاره دارد. اختلاف اخبار در بیان سن کودک، که او را برای انجام نماز مؤاخذة می‌نمایند، مبتنی بر ادراک بالا و قوت معرفت و یا ضعف اوست^۹ (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۰).

از این رو تحقق قوه ادراک در کودک اختصاص به سن معین ندارد، بلکه بستگی به اشخاص و استعداد و ادراک آنها دارد، یعنی اشخاصی که از ادراک و استعداد بالاتری برخوردارند زودتر ممیز می‌شوند و هم‌چنین موارد آن مختلف است. بنابراین مانند طلاق، عتق وصیت و صدقه که در مورد آنها به درجه بالایی از فهم نیاز است، با رسیدن به سن ده سالگی و بالاتر، مرحله تمییز آغاز می‌گردد. ولی در مثل نماز که این‌گونه نیست، زیرا برای بعضی از افراد، صرف انجام آن کفایت می‌کند، از این رو رسیدن به سن هفت سالگی و حتی کمتر از آن کافی است.

به توضیحی روشنتر، قوه تشخیص کودک نسبت به اموری که در زندگانی اجتماعی با آن برخورد می‌کند، مختلف است. چنان‌که کودک سود و زیان و آثار و احکام بعضی از آنها را در سن پایینتر درک می‌کند، مانند قبح بسیاری از اعمال کیفری از قبیل سرقت، قتل، جرح و ضرب و امثال آنها و بعضی امور دیگر را در سن بالاتر می‌فهمد، مانند عقود و ایقاعات. صغیر در سن پایینتر می‌تواند مقتضا و آثار بیع و هبه را که واگذاری مال با عوض و یا بدون عوض باشد، بفهمد ولی در آن سن نمی‌تواند مقتضای نکاح و طلاق و آثار آن را متوجه گردد. هم‌چنین قوه تشخیص صغار در سن معین متفاوت است. ممکن

۹. «و الذی نختاره ما أشعر به بعض الأخبار من أن التفاوت فی قلة السنین و کثرتها مبنی علی قلة المعرفة و کثرتها و قوة القابلیة و ضعفها و هو أولى من أن یؤخذ بالأکثر و ینفی الأقل بالأصل، أو الأقل و ینفی الأکثر علی زیادة الرجحان و صدق وصف الصحة علی القول به و التمرین.»

است بعضی در سن معین، چیزی را تشخیص دهند و سود و زیان و آثار و احکام آن را بفهمند، ولی بعضی دیگر در همان سن آن را درک نکنند. بنابراین ممکن است کودک نسبت به امری ممیز باشد و نسبت به امر دیگری غیرممیز. یا کودک چیزی را تمیز دهد و دیگری در همان سن از تمیز آن محروم باشد (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۱۱۰۳؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۱۹، ص ۱۶۰).

ماده ۹۴۳ مجله الاحکام مقرر می‌دارد: «صغیر غیرممیز کودکی است که مفهوم خرید و فروش را درک نمی‌کند.» در شرح این مطلب در کتاب درر الاحکام این چنین آمده است: «صغیر غیرممیز درک نمی‌کند که فروختن سلب ملکیت است و خریدن جلب ملکیت است. او بین غبن فاحش آشکار و غبن ناچیز تفاوتی نمی‌بیند. در مقابل کودکی که چنین تمیزی داشته باشد را صبی ممیز می‌گویند. بر این اساس صغیر یا غیرممیز یا ممیز و صغیر ممیز مفهوم ملکیت را می‌فهمد و می‌داند که بایع با فروش مبیع از خود سلب ملکیت می‌کند و مشتری با خرید آن، مالک مبیع می‌شود. چنین کودکی سود و زیان را درک می‌کند و ضرر زیاد و کم را تشخیص می‌دهد. اینکه گفته می‌شود تفاوت بین غبن فاحش و غبن یسیر را می‌فهمد کنایه از این است که عاقل است» (حیدر، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۵۴).

در کلمات فقهای حنفی همین ملاک به عنوان علامت تمیز معرفی شده است. مالکیه می‌گویند: صبی ممیز کودکی است که درک کند بر اطاعت ثواب مترتب است و بر معصیت عقاب. شافعیه می‌گویند: صبی ممیز کودکی است که به تنهایی بتواند غذا بخورد و به زعم خودشان این بهترین علامت تمیز است. از نظر فقهای حنبلی هرگاه کودک خطاب امر و نهی را بفهمد و بتواند پاسخ مناسب با آن دهد ممیز است (مرداوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۶).

حنفیه نیز معیار سنی را بیان کرده‌اند. از نظر آنان هرگاه پسر بچه به سن هشت سالگی و دختر به سن هفت سالگی برسد ممیز است (جزیری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۱۳).

۳. معیار قدرت و توانایی (معیار جسمی)

از دیگر معیارهایی که برای صحت عمل صبی ممیز در نظر گرفته شده است، قدرت و توانایی صبی بر انجام عمل است. هر کاری مستلزم نوعی توانایی است و چنانچه این توانایی نباشد انجام آن عمل محال است، تا جایی که حتی انسان بالغ هم زمانی مکلف محسوب می‌شود که قدرت داشته باشد؛ چراکه قدرت شرط تکلیف است. اما محل بحث

آن دسته از افعالی است که انجام آنها برای نوع انسانها مشقت آور است، چه برسد به یک کودک. برای مثال روزه یکی عمل مشقت آور است که انسان مکلف و توانا قادر به انجام آن است و به خاطر همین مشقت آوری، بسیاری از افراد مثل پیرمرد، پیرزن، تازه به بلوغ رسیده، ذوالعطاش، زن حامله و زن شیرده چنانچه نتوانند روزه بگیرند معذور هستند. حال در خصوص صبی، اگر چنین توانایی را داشته باشد که روزه بگیرد، روزه او صحیح است. روایاتی نیز بر این مطلب دلالت دارد و از جمله: «بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامٍ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۵). یا: «إِذَا قَوِيَ عَلَى الصِّيَامِ» (همان جا) و: «إِذَا قَوِيَ عَلَى الذَّبْحِ» (همان جا). فقها نیز به تبعیت از روایات بالا روزه کودک ممیز را مشروط به قدرت و توانایی او کردند. این جنید از فقهای متقدم بنا بر نقل حلی می گوید: «مستحب است کودکان را بر روزه عادت دهند، هر چند توانایی آن را نداشته باشد و اگر توانایی سه روز روزه پی در پی را داشته باشند، آنان را بر روزه وادار کند» (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۸۶). طوسی در نهاییه برای تأدیب صبی به روزه سن ۹ سال و در مبسوط سن هفت سال را ذکر می کند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۴).

اشکالی که اینجا وجود دارد آن است که از چه روی توانایی و طاقت کودک، ارتباط به صبی ممیز پیدا می کند؟ در حالی که در روایات اشاره به تمییز نشده است. پاسخ آن است که صبی غیرممیز چنین قدرت و توانایی را ندارد. این کودک حتی امور مربوط به خودش مثل غذا خوردن را به تنهایی نمی تواند انجام دهد. بنابراین معلوم می شود که صبی ممیز مدنظر است. نجفی نیز به این مطلب اشاره می کند:

«مستحب است بر ولی که پسر بچه و دختر بچه را به روزه و سایر عبادات قبل از بلوغ تمرین دهند و بر آن عادت دهند، چه قائل به شرعیت عبادات این دو باشیم و چه نباشیم، مشروط به اینکه برای آنان تمییز حاصل شده باشد، به طوری که بتوانند صورت عبادت را انجام دهند» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۳۴۸). در کلمات فقهای اهل سنت به ملاک قدرت بدنی نیز اشاره شده است. ذهبی می گوید: «عبادت جز بر بالغ عاقل واجب نیست، اما بر ولی کودک سزاوار است که او را به روزه امر و به آن تشویق کند تا از زمان کودکی بر این امر عادت کند، مشروط به اینکه توانایی آن را داشته باشد» (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۴۹۱).

۴. معیار صحت عمل

یکی دیگر از معیارهایی که برای تمییز برشمرده شده آن است که صبی بتواند عمل را به درستی انجام دهد. منظور از درستی و صحت عمل آن است که هر عملی واجد شرایط و ارکانی است و در صورتی محقق می‌شود که آن شرایط و ارکان محقق شود. کودک چنانچه عملی را انجام دهد که واجد شرایط و ارکانش باشد، در این صورت عمل صورت گرفته صحیح بوده و چنانچه عمل صادره فاقد شرایط باشد عمل نیز صحیح نخواهد بود. برای مثال در مورد طلاق صبی گفته شده اگر به درستی انجام دهد، طلاق صورت گرفته صحیح خواهد بود. در روایت آمده است: «اگر توانایی ذبح را داشته باشد و ذبح را با شرایطش انجام دهد و نام خداوند متعال را ببرد پس بخورید [حلال است]»^{۱۰} (کلبینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۳۷). یا وارد شده است: «چنانچه طبق موازین سنت طلاق دهد و صدقه و زکات را در جای خود و به حق مصرف کند و به مستحق آن برساند اشکالی ندارد و جایز است»^{۱۱} (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۰۳). در این روایت طلاق و صدقه منوط به درست انجام دادن آن است و اگر طلاق بر طبق سنت انجام شود و صدقه در محل خودش خرج شود، از صبی صحیح خواهد بود.

حلی می‌نویسد: «در ذبح‌کننده اسلام شرط است یا در حکم آن مثل کودک» (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۶۲۲). شهید اول نیز ذبح صبی را حلال می‌داند: «حیوانی که صبی ممیز ذبح می‌کند، حلال است» (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۲). اما حلیت آن مشروط به صحیح انجام دادن آن است. محقق حلی می‌نویسد: «زن مسلمان و بچه مسلمان که طفل است در صورتی که ذبح را به درستی انجام دهد، صحیح است» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۵۹). در طلاق نیز گفته شده اگر صبی ممیز که به سن ده سالگی برسد و بتوان طلاق را به درستی انجام دهد، طلاق او صحیح خواهد بود (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۸۸).

۵. معیار قربی به بلوغ

یکی دیگر از معیارهای تمییز که در روایات و فتاوی ذکر شده است، مراهق بودن کودک

۱۰. «إِذَا قَوِيَ عَلَى الذَّبْحِ وَكَانَ يُحْسِنُ أَنْ يَذْبَحَ وَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَكُلُّهُ».

۱۱. «إِذَا هُوَ طَلَّقَ لِلسُّنَّةِ وَوَضَعَ الصَّدَقَةَ فِي مَوْضِعِهَا فَلَا بَأْسَ وَهُوَ جَائِزٌ».

است. مراهق کودکی است که نزدیک به سن بلوغ است و تا بلوغ او مقدار زمانی باقی است. گاهی کودکی که سه سالی یا دو سال به بلوغ دارد را مراهق گویند. در روایات و فتاوی به کودکی که به ده سالگی رسیده باشد، یا نزدیک به مرحله احتلام است، یا کودکی که رشد عقلی او بیش از سنش باشد، اطلاق مراهق شده است (همدانی، ۱۳۹۵ ش، ص ۶۳۱). در روایت وارد شده است: «کودک هرگاه مراهق گردد، (یعنی نزدیک بلوغ شود)، از باب تأدیب وادار به روزه می‌شود، ولی بر او روزه واجب نیست»^{۱۲} (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۸۶). موسوی عاملی ذیل روایت بالا می‌نویسد: «این قسم موسوم به روزه تأدیبی است و آن روزه‌ای است که در بخشی از روز از مفطرات روزه اجتناب می‌شود از باب استحباب، تا خود را شبیه روزه‌داران کند» (موسوی عاملی، مدارک / الأحکام، ۱۴۱۱ ق، ج ۶، ص ۲۷۳). نکته مهم در مورد مراهق بودن آن است که تمییز صبی ممکن است زودتر از مراهق بودن رخ داده باشد. بنابراین چه‌بسا مراهق بودن دلیل بر سبق تمییز است. چنانچه در معنای آیه «کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نیستند»^{۱۳} (نور، ۲۴)، طوسی در تبیان می‌گوید: «کودکانی که مراهق نیستند و در این صورت آشکار کردن زینت برای آنان جایز است»^{۱۴} (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۳۰).

علامت مراهقه در لسان برخی از فقهای اهل سنت نیز ذکر شده است. شافعی وصیت صبی را در وجوه خیر صحیح می‌داند و مستند او روایتی از عمر است که گفته است: «وصیت یفاع یا یافع جایز است و او کسی است که نزدیک بلوغ است» (بدرالعینی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۳، ص ۴۰۵). یافع کودکی است که یا به بلوغ رسیده یا نزدیک سن بلوغ است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۵۷).

هم‌چنین از اسحاق بن منصور نقل شده است که اذان صبی مراهق صحیح است و او کسی است که قریب به بلوغ است. سپس توضیح می‌دهد: مراهق کسی است که از هفت سالگی تجاوز کرده و همان زمان است که امر به نماز می‌شود (ابن حنبل، ۱۴۳۰ ق، ج ۵، ص ۵۵۱).

۱۲. «يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ إِذَا رَاهِقَ بِالصَّوْمِ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرْضٍ.»

۱۳. «الطُّفْلُ الَّذِي لَمْ يَظْهَرُوا عَلَيَّ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ.»

۱۴. «صغار الذين لم يراهقوا فإنه يجوز ابداء الزينة لهم.»

ضابطه تمییز در روانشناسی رشد

آنچه فقیهان در باب معیار شناختی تمییز بیان کردند منطبق با یافته‌های روانشناسان رشد از جمله ژان پیاژه روانشناس^{۱۵} سویسی (۱۸۹۶ - ۱۹۸۰) و اریک اریکسون^{۱۶} (۱۹۰۲ - ۱۹۹۴) است. روانشناسی رشد^{۱۷} شاخه‌ای از علم روانشناسی است که به توصیف و تبیین تغییرات در طول زندگی فرد می‌پردازد. رشد^{۱۸} در اصطلاح علم روانشناسی رشد، به تغییرات پی در پی و منظمی گفته می‌شود که از زمان انعقاد نطفه تا هنگام مرگ اتفاق می‌افتد. این تغییرات در ابعاد گوناگون جسمانی، عاطفی، شناختی و اجتماعی به وجود می‌آید و دارای الگو و نظم خاصی است.

۱. تمییز و رشد جسمانی

ابتداییترین جنبه رشد، رشد جسمانی - حرکتی^{۱۹} است. در دوران دبستان تا زمانی که تغییرات بلوغ شروع شود رشد جسمانی کودک به طور آرام و یکنواخت ادامه می‌یابد، ولی قبل از شروع تغییرات بلوغ آهنگ رشد سریعتر می‌شود. در این دوران دختران زودتر از پسران به رشد بلوغی می‌رسند. به طور خلاصه خصوصیات رشد جسمانی کودکان به شرح زیر است:

- طول قد: افزایش طول قد به طور متوسط در یک دختر و پسر ۱۱ ساله بین ۵ تا ۸ سانتی‌متر است و تقریباً طول کلی بدن آنان در حدود ۱۴۷ سانتی‌متر است، ولی طول قد پسران تا حدودی کمتر است. همان‌طور که در قد کودک بیان شد، از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «هرگاه کودک به پنج وجب برسد، خوردن ذبیحه او جایز است»^{۲۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۳۸). اگر قد صبی به پنج وجب برسد ذبیحه او حلال است. محقق حلی در شرایع می‌نویسد: «هرگاه کودک به پنج وجب برسد وصیت او جایز است» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۸۵). بنابراین با توجه به اینکه قد کودک معمولاً در سن هفت تا

15. Piaget, J.

16. Erickson, E.

17. Developmental Psychology

18. development

19. Physical-Motor Development

۲۰. «إِذَا بَلَغَ الصَّبِيُّ خَمْسَةَ أَشْبَارٍ أَكَلَتْ ذَبِيحَتَهُ.»

دوازده سالگی به ترتیب ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۴ و ۱۴۹ سانتی متر می شود، تقریباً این معیار با رشد جسمانی کودک مطابقت دارد.

- رشد دندانها: در این دوران تفاوت های زیادی از لحاظ رشد دندانها در بین کودکان وجود دارد. کودک در اواخر این دوره و شروع دوره بلوغ از ۲۳ دندان دایمی دارای ۲۸ دندان است و چهار دندان باقی مانده که دندانهای عقل نامیده می شود در دوره نوجوانی ظاهر می گردد. از این جهت نیز با معیار ائثار (افتادن دندانها شیری و رشد دندانهای دایمی) مطابقت دارد. از امام جواد علیه السلام سؤال شده است صبی چه زمانی محرم می شود. حضرت علیه السلام فرمود: «إِذَا أَثَغَرَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۳۸). همان طور که بیان شد ائثار به معنای افتادن دندان شیری و شروع رشد دندان دایمی است. این افتادن دندان شیری تا ۱۲ سالگی ادامه دارد و بنابراین معیار ائثار منطبق بر رشد جسمانی است.

۲. تمییز و رشد شناختی

رشد شناختی^{۲۱} به رشد تواناییهای مرتبط با فرایندهایی هم چون توجه، ادراک، حافظه، استدلال، قضاوت، حل مسئله، تصمیم گیری و تواناییهای زبانی کودک اطلاق می شود. با شروع هفت سالگی کودک اعمالی را به طور ذهنی انجام می دهد که در دوران قبلی آنها را به طور فیزیکی انجام می داد. کودک با ورود به هشت سالگی دوباره به دنیا بیرون خود توجه می کند. تصویری که او از تواناییهای خود دارد بیشتر از قدرت واقعی اوست. کلمات عامیانه را استعمال می کند و این نشان آن است که از لحاظ اجتماعی تماسهای جدیدی برقرار کرده است. قدرت سخنگویی او پیشرفت می کند، تلفظ جملات اغلب صحیح است، اختلافات را چه در اشیاء و چه در اشخاص درک می کند و داوری و ارزشیابی او رشد یافته است (ماسن، ۱۳۶۸ش، ص ۱۰). یکی دیگر از ویژگیهای شناخت این دوره، افزایش سرعت و ظرفیت پردازش اطلاعات است که در نتیجه آن، کودکان هم سریعتر فکر می کنند و هم از ظرفیت بیشتری برای فکر کردن برخوردارند. منطقی شدن تفکر کودکان نیز در این دوره شکل می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۱).

بنابراین از جمله ابعاد رشد، رشد شناختی است. چنان که یکی از معیارهای تمییز

شناخت و درک و فهم کودک است. سماعه به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «چنانچه طبق موازین سنت طلاق دهد و صدقه و زکات را در جای خود و به حق مصرف کند و به مستحق آن برساند، اشکالی ندارد و جایز است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲۴). هم چنین در روایت دیگر، ابن بکیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «طلاق غلام در صورت درک آن جایز است و وصیت و صدقه او صحیح است، هر چند به حد احتلام نرسیده باشد»^{۲۲} (همانجا). علاوه بر این، روایت دیگری دال بر «نفوذ طلاق صبی ده ساله» وارد شده است و برخی از فقها به مضمون این روایات فتوا داده‌اند. مفید و طوسی طلاق کودک ده ساله را جایز می‌دانند^{۲۳} (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۷، ص ۲۱). البته مفید به اینکه کودک بتواند طلاق را به درستی انجام دهد. بنابراین روایت دوم مفید روایت اول است^{۲۴} (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۶، ص ۷). البته برخی فقها از جمله ابن‌ادریس حلی و شهیدین^{۲۵} نیز طلاق صبی را به طور مطلق صحیح نمی‌دانند؛ چراکه در وقوع طلاق بلوغ را شرط می‌دانند (ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۷، ص ۲۱).

هم چنین در روایتی دیگر، جناب زراره به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: «چه وقت باید بر طفل نماز میت خواند؟ فرمود: هرگاه نماز را درک کند. عرض کردم چه زمانی نماز بر او واجب می‌شود؟ فرمود: هنگامی که به سن شش سالگی برسد و روزه هنگامی بر او لازم

۲۲. «يَجُوزُ طَلَاقُ الْغُلَامِ إِذَا كَانَ قَدْ عَقَلَ وَ وَصِيَّتُهُ وَ صَدَقَتُهُ وَ إِنْ لَمْ يَحْتَلَمْ.»

۲۳. «و إنما الكلام في طلاق الصبي المميز و البالغ عشر سنين فعن الشيخين المفيد و الطوسي و أتباعهما بل قيل هو المشهور بين المتقدمين صحة طلاق الصبي البالغ عشا لمرسل ابن أبي عمير عن أبي عبد الله عليه السلام (يجوز طلاق الصبي إذا بلغ عشر سنين)، مؤيدا بما دل على جواز طلاق الصبي قبل أن يحتلم كموقوف سماعة (سألته عن طلاق الغلام و لم يحتلم و صدقته، قال: إذا طلق للسنة و وضع الصدقة في موضعها فلا بأس و هو جائز) و موقوف جميل عن أحدهما عليه السلام (يجوز طلاق الغلام إذا كان قد عقل و صدقته و وصيته و إن لم يحتلم).»

۲۴. «أنه لا بد من تقيدهما بقول الصادق عليه السلام في رواية ابن بكير: «يجوز طلاق الصبي إذا بلغ عشر

سنين.»

۲۵. «و عن ابن‌ادريس و مشهور المتأخرين عدم صحة طلاق الصبي مطلقا ما لم يحتلم تمسكا بالأخبار

المتقدمة المؤيدة بحديث رفع القلم.»

می‌شود که توان گرفتن آن را داشته باشد»^{۲۶} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۶). همان‌طور که از این روایات برمی‌آید، درک و فهم و شناخت کودک از احکام مد نظر قرار گرفته شده است. در روایت اول فرموده اگر طبق سنت طلاق می‌دهد یعنی لازمه صحت طلاق کودک، درک و دانستن طلاق سنی است و یا در ادامه می‌فرماید اگر محل و مورد صدقه را بداند یا در روایت بعدی می‌فرماید اگر «قد عقل» درک داشته باشد و در آخری می‌گوید «قد عقل» و البته به اضافه «طاعت کودک». از این روایات معلوم می‌شود که وقوع اعمال از صبی منوط به ادراک و فهم اوست و الا اگر چنین ادراکی نباشد صرف بازی کودکانه است که اثری ندارد، کما اینکه فقها در صبی غیرممیز چنین گفته‌اند.

۳. تمییز و رشد اخلاقی

در تبیین فرایند رشد اخلاقی^{۲۷} می‌توان گفت کودکان در ابتدا، هیچ تصویری از کار خوب و بد ندارند به همین دلیل مسئول رفتار خود نیستند. برای اخلاق یک فرایند تدریجی و پیچیده طی می‌شود. رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی و اصول شرعی و عرفی است که تعیین می‌کند انسانها در رابطه با دیگران چگونه رفتار کنند. به عبارت دیگر منظور از رشد اخلاقی در اینجا همان انجام عمل اخلاقی است، هرچند ممکن است دلیل انجام عمل اخلاقی متفاوت باشد. مثلاً ممکن است یک کودک ۶ ساله کاری را اخلاقی بداند که دوستش را خوشحال می‌کند، در حالی که وقتی بزرگ می‌شود کار اخلاقی را به دلیل درستی آن انجام می‌دهد نه صرفاً برای خوشحال کردن دوستش. در این دوره مفاهیم اخلاقی در کودک پرورش می‌یابد و اعمال دیگران را چه خوب و چه بد داوری می‌کند.

همان‌طور که قبلاً بیان شد بیشتر رساله‌نویسان و مراجع معظم تقلید یکی از علایم تمییز را تشخیص خوب از بد می‌دانند. در این رساله‌ها بیان شده است: مراد از کودک ممیز کودکی است که خوب و بد را می‌فهمد. در واقع کودک ممیز در این دوره قادر است خوبی و بدی را بشناسد و آنها را تشخیص دهد. از این‌رو این مطلب نیز با یافته‌های روانشناسی

۲۶. «سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّي عَلَيْهِ قَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ وَ الصَّبِيَّ إِذَا أَطَاقَهُ.»

رشد قابل تطبیق است. هم‌چنین از برخی روایات برداشت می‌شود که سن مناسب برای یادگیری حلال و حرام، همین سن ۷ تا ۱۲ سال است که طبق مدعای ما از این دوره تمییز شروع می‌شود و به نهایت خود می‌رسد (کرباسی، ۱۳۹۷، ش، ص ۲).

۴. تمییز و رشد اجتماعی^{۲۸}

دوره ۷ تا ۱۱ سالگی زمان شروع اجتماعی شدن کودک است. کودک ۷ سال با تجربیاتی که در دوره قبل از خانواده کسب کرده به تقلید از آنها می‌پردازد. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یا عکس آن را در این دوران از خانواده فرا می‌گیرد. پس از آن ورود به دبستان و محیط آن برای کودک ناآشناست. انس گرفتن با وضعیت جدید مشکلاتی را به وجود می‌آورد. بعضی از کودکان از مشاهده و برخورد با آن موقعیت گیج و مات می‌گردند و در اینجاست که مربیان و آموزگاران باید این وظیفه خطیر یعنی وفق دادن محیط مدرسه با سلیقه کودکان و تا حدودی با رفتار خانواده و هم‌سالان و یا به عبارت دیگر اجتماعی شدن را به کودک آموزش دهند. جنبه مهمی که در صبی ممیز قابل بررسی است، همین جنبه رشد اجتماعی است؛ چراکه در بیشتر ابواب معاملات، تعامل کودک نقش اساسی را برای بررسی صحت عقود و ایقاعات او دارد، فارغ از استدلالات فقهی، کودکی که اولاً درک و فهمی از خرید فروش ندارد (به عنوان یکی از عقود). ثانیاً نتواند در تعامل با دیگران مال خود را خرید و فروش کند، طبیعتاً بحث از صحت معامله او جایی ندارد. بعید نیست این مطلب که گفته شده است: «نهی از معامله با صبیان نهی ارشادی است»، اشاره به همین مطلب داشته باشد.

آنچه فقهای اهل سنت و امامیه در معیارهای تمییز به آن اشاره کردند و اشاراتی نیز در روایات شده است، منطبق با یافته‌های روانشناسان رشد است. صبی ممیز مشخصاتی دارد که منطبق با مرحله کودکی دوم (سنین بین ۷ تا ۱۲ سال یا دوره دبستان) است. به عنوان نمونه زان پیاژه بر اساس مطالعات خود متوجه شد: «کودکان این دوره، دو مرحله اخلاقی را طی می‌کنند: تبعیت اخلاقی و نسبی‌گرایی اخلاقی. در مرحله تبعیت اخلاقی کودکان که شامل کودکان سنین بین ۶ تا ۹ سالگی می‌شود، اخلاق به معنای اطاعت از امر و نهی و

دستورات بزرگسالان است. از ویژگیهای این مرحله عینی‌گرایی است که خود به سه خصوصیت توجه به نتایج اعمال، اعتقاد به وجود عدالت طبیعی و تنبیه مشخص می‌شود. در مرحله نسبی‌گرایی یا استقلال اخلاقی که شامل سنین ۹ تا ۱۲ سالگی و بیشتر است، بروز تفکر انتزاعی سبب توجه کودک به نیت، تناسب قائل شدن بین جرم و مجازات و اعتقاد به جبران و اصلاح می‌شود (فلاون، ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۹).

معیار تمییز در قوانین

۱. ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ش

ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ش مقرر می‌دارد: «اطفال غیرممیز را نمی‌توان جزائاً محکوم نمود. در امور جزایی هر طفل که ۱۲ سال تمام نداشته باشد حکم غیرممیز را دارد.» از ابتکارات این قانون آن است که برای تمییز سن معین کرده است بنا بر این ماده اطفال زیر ۱۲ سال غیرممیز محسوب می‌شوند. البته این قانون از قوانین منسوخ شده است.

۲. ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی

ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است و معذک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند، مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات.» مسئولیت و فقدان مسئولیت صبی بنا به تمییز، از همین ماده قابل دریافت است. بر طبق ماده ۱۲۰۷ تمامی اعمال صبی غیرممیز بلااثر است، ولی در ماده ۱۲۱۲ استثنائاً اعمال صبی ممیز را در صورتی که بلاعوض باشد واجد اثر دانسته است. علاوه بر این، در ماده ۱۲۱۵ نیز آمده است: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.» در این قانونی ملاکی برای تمییز ارائه نشده است.

پیرو قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ش قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهدکار مصوب ۱۳۳۸ش حداقل سن کیفری ۶ سال معین شده است. بر طبق ماده ۴ این قانون کودکان زیر ۶ سال قابل تعقیب کیفری نیستند، ماده ۳۴ قانون سابق اطفال زیر ۱۲ سال را غیرممیز فرض کرده و فاقد مسئولیت تشخیص داده است و اما در این قانون مسئولیت را به سن ۶ سال تقلیل داده است. بنابراین نوعی تعارض میان این دو قانون

وجود دارد و به دلیل تاخر قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهدکار همان ملاک عمل واقع شد. بر اساس ماده ۱۴ این قانون اطفال به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اطفال زیر ۶ سال که فاقد مسئولیت کیفری هستند؛ ۲. اطفالی که سن آنها بین ۶ سال تا ۱۲ سال تمام است و چنانچه مرتکب جرمی شوند به اولیاء یا سرپرست وی تسلیم می‌شوند؛ ۳. اطفالی که سن آنها بین ۱۲ تا ۱۸ سال بوده و در صورت ارتکاب جرم ضمانت‌اجراهایی مثل نصیحت و سرزنش قاضی، اعزام به کانون اصلاح و تربیت یا تسلیم به اولیاء و اخذ تعهد وجود داشت (فتح‌اللهی، ۱۳۹۵ش، ص ۶۷).

۳. ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ش

بر طبق ماده ۳۶ این قانون مرتکبان جرم به دو دسته تقسیم شده‌اند: دسته اول اشخاص فاقد شعور یا دارای اختلال تام در قوه تمییز یا اراده هستند؛ دسته دوم مرتکبانی هستند که دارای اختلال نسبی شعور یا قوه تمییز و اراده هستند. هر یک با توجه به میزان تمییز و شعور پاسخ متناسب جزایی دریافت خواهد کرد. بر اساس این ماده ملاک تمییز یک ملاک شناختی است و البته کیفیت تشخیص تمییز در این ماده عنوان نشده است (صالحی دوغایی، ۱۳۹۸ش، صص ۱۸ و ۲۹). علاوه بر اینکه این قانون منسوخ شده است.

بازتاب تمییز در قوانین کیفری بعد از انقلاب اسلامی نیز وجود داشت، بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ش (ماده ۲۶) و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ش (ماده ۴۹)، کودکان فاقد مسئولیت کیفری تشخیص داده شده و بر اساس همین قانون دوران کودکی را به دو دوره تقسیم کرده‌اند و رویه جاری بر اساس این دو، تعیین سن هفت سال بوده است. این دو دوره شامل: ۱. دوره فقدان تمییز و عدم مسئولیت کیفری مطلق که از تولد طفل تا پایان هفت سالگی ادامه دارد؛ ۲. دوران تمییز و مسئولیت کیفری نسبی که شروع آن بعد از هفت سالگی است، می‌شود. در واقع سن هفت سالگی اماره‌ای بر تمییز کودک در نظر گرفته می‌شد (اردبیلی، ۱۴۰۱ش، ج ۲، ص ۱۶۵).

در حال حاضر قانون مدنی جز در مواردی که منسوخ شده است همان مبنای سابق را دارد و بنابراین ماده ۱۲۱۲ و ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی باقی است. ولی دو ماده ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ دستخوش تغییر شده است. ماده ۱۲۰۹ به‌کلی منسوخ شده و ماده ۱۲۱۰ نیز اصلاح گردیده است. موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بدون اشاره به سن

تمییز به آن اشاره دارد. ماده ۱۷۹ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه شاهد در زمان تحمل شهادت، غیربالغ ممیز باشد، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ برسد شهادت او معتبر است» در ماده ۲۷۲ می‌گوید: «هرگاه کسی مال را توسط مجنون یا طفل غیرممیز... از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.» تبصره ۲ ماده ۳۷۵ این قانون، ماده ۸۶ قانون امور حسبی و قوانین دیگر از تمییز و صبی ممیز سخن به میان آمده است.

۴. ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش

بر اساس ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی هرگاه بالغین زیر ۱۸ سال از درک ماهیت جرم و حرمت آن عاجز بوده و در رشد و کمال عقل آنان شبهه باشد، در صورت ارتکاب جرم موجب حد و قصاص، مجازات آنان به مجازات مقرر در موارد ۸۸ و ۹۸ این قانون تبدیل می‌شود. متن ابتدایی ماده ۹۱ در لایحه تقدیمی قوه قضائیه به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس بدین شرح است:

در ماده ۴-۱۴۱ این لایحه آمده است: «در جرایم موجب حد هرگاه اطفال بالغ ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازاتهای پیش‌بینی‌شده در قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان محکوم خواهند شد.» این ماده دو تبصره نیز دارد. تبصره یک آن می‌گوید: «دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند از نظر پزشکی قانون یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند.»

متن ابتدایی ماده با اشکالاتی مواجه بود: اول اینکه در این لایحه فقط جرایم موجب حد ذکر شده است و دوم آنکه دو کلمه «اطفال» و «بالغ» کنار هم قرار گرفته شده و بین این دو واژه تنافی وجود دارد و بنابراین در متن اصلاحیه کمیسیون جرایم موجب قصاص نیز در ماده درج شده و عبارت «اطفال بالغ» حذف به جای آن «بالغ کمتر از ۱۸ سال» ذکر شد. مضاف بر اینکه تقسیمات مربوط به «نابالغ غیرممیز»، «نابالغ ممیز» و «بالغ: اطفال زیر ۱۸ سال» حذف گردید. بر اساس ماده ۱-۱۴۱ این لایحه معیار سنی هفت سال برای تمییز عنوان شده است. ماده ۱-۱۴۱ این لایحه چنین بود: «منظور از طفل در این

قانون کسی است که به سن ۱۸ سال تمام خورشیدی نرسیده باشد. اطفال به سه دسته تقسیم می‌شوند:

أ) نابالغ غیرمميز: به اطفالی اطلاق می‌شود که به سن هفت سال تمام نرسیده باشند.
 ب) نابالغ ممیز: به اطفال دارای هفت سال تمام اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشند.

ج) بالغ، به اطفالی اطلاق می‌شود که به سن بلوغ رسیده و کمتر از ۱۸ سال تمام می‌باشند.»

نهایتاً بعد از ارسال به شورای نگهبان فقط شماره ماده آن از ۹۰ به ۹۱ منتقل شد و در نتیجه متن ماده به شکل نهایی تصویب گردید (الهام، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۸۹). قانون‌گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات سه معیار «عدم درک ماهیت جرم»، «عدم درک حرمت جرم انجام‌شده» و «وجود شبهه در رشد و کمال عقل مرتکب» را عنوان کرده است که به نظر می‌رسد رابطه طولی بین این سه معیار وجود دارد. در این ماده به‌نوعی به معیار شناختی اشاره دارد، بر این اساس درک ماهیت مادی عمل به درک ماهیت جرم برمی‌گردد و درک حرمت جرم به درک حسن و قبح که زمینه ممنوعیت را فراهم می‌کند بازگشت دارد. صبی ممیز این مرحله از ادراک را داراست و همچنین قدرت درک حسن و قبح امور را دارد، یعنی هم قابلیت فهم موضوع و هم قابلیت فهم خطاب را دارد و لذا امکان تحقق اراده طبیعی نزد او وجود دارد (نوی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۳). بعید نیست گفته شود که می‌تواند قصد سرقت کند یا ایراد جرح کند با این همه تا به مرحله سوم نرسد اراده او اعتباری ندارد. کودک ممیز می‌تواند سوءنیت داشته باشد، ولی تا زمانی که به مرحله سوم نرسد، سوءنیت او اعتباری ندارد و از همین جا تفاوت طفل ممیز و غیرممیز مشخص می‌شود، زیرا طفل غیرممیز عمد طبیعی در مود آنها شکل نمی‌گیرد، چون نه قابلیت تشخیص موضوع را دارند و نه حکم و لذا نمی‌توانند سوءنیت یا خطای جزایی داشته باشند و به عبارت دیگر اهلیت جرمی ندارد و در سطح حیوان بوده و شمول قانون بیرون است. بر عکس او طفل ممیز عمد طبیعی و اهلیت دارند، ولی اراده او از نظر حقوق جزا معتبر نیست عمد دارد ولی اعتبار ندارد و از همین رو فقها گفته‌اند «عمده خطاء» گرچه سوءنیت دارد، ولی اعتبار نداشته و آثار بر آن بار نمی‌شود (آثار کیفری بار نمی‌شود ولی آثار مدنی و اخلاقی ممکن است) (میرسعیدی، ۱۳۸۳ش، ص ۷۰).

نتیجه

۱. تمییز در اصطلاح فقهی اولین مرحله رشد ادراکی کودک است و فقها به چنین کودکی صبی ممیز می‌گویند. گرچه برای تمییز احکام و آثار مختلفی ذکر شده است. بحث از آثار تمییز و افعال صبی ممیز منوط به شناخت حدود تمییز است. هدف اصلی پژوهش تعیین حدود تمییز صبی ممیز و هدفهای فرعی شامل آثار افعال و اعمال صبی ممیز و دیدگاه فقها در مورد حدود تمییز و معیارهای تشخیص تمییز کودکان بود.
۲. یافته‌های تحقیق در مورد حدود تمییز بدین قرار است که سن، مراهق بودن، به-درستی انجام دادن عمل، قد کودک، افتادن دندانهای شیری و در آخر درک و شناخت کودک از جمله حدود و معیارهای تمییز است. با این حال حد اساسی تمییز، معیار شناختی بوده و بنابراین چنانچه کودکی ماهیت افعال، سود و زیان و نیک و بد اعمال را تشخیص دهد، به چنین درجه‌ای از درک و فهم و تمییز رسیده است. در نتیجه سن و سایر حدود تمییز اماره این درک و فهم اوست. بر طبق روایات، چنین کودکی آماده یادگیری حلال و حرام بوده و پذیرای عمل به برخی احکام است. روایات از این کودک به «مطیع» و «خادم» و فقها از آن به «صبی ممیز» یاد می‌کنند.
۳. روانشناسان رشد نیز برای رشد انسان مراحل ذکر کرده‌اند. از نظر تطبیقی کودکی دوم (سنین ۷ تا ۱۲ سال) در نظریات روانشناسی منطبق با چنین کودکی در روایات و فقه است. داده‌ها و یافته‌های روانشناسی رشد نیز گواه آن است که در این دوره جنبه‌های مختلف رشدی اعم از جسمانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و شناختی در کودک رخ می‌دهد. از نظر شناختی تواناییهای چون ادراک، توجه حافظه، استدلال، قضاوت و حل مسئله در کودک تقویت می‌شود. از نظر اخلاقی نیز آشنایی با قوانین و اصول شرعی و عرفی وی رشد می‌کند. از این رو فقها نسبت به عبادات صبی ممیز به شریعت و صحت قائل شدند؛ چراکه توانایی یادگیری و انجام این اعمال را دارد. اما در معاملات از آن رو که جنبه شناختی در مراحل ابتدایی است، برخی فقها مطلقاً و برخی استقلالاً معاملات او را باطل دانسته‌اند و با این حال ثبوتاً اگر کودک چنین توانایی را داشته باشد (ولو به ضمیمه اذن ولی)، معاملات او نیز بی‌اشکال است و اثباتاً نیز در برخی ابواب فقها قائل به صحت اعمال صادره از کودک ممیز شده‌اند.

۴. با اینکه عنوان تمییز در قوانین قبل و بعد از انقلاب به کار رفته است، اما در بیشتر این قوانین ذکری از ملاک و معیار آن نشده است. تنها در ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ و ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دو ملاک متفاوت ذکر شده است. در ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی سن ۱۲ سال به عنوان سن تمییز ذکر شده است و البته این قانون از قوانین منسوخ شده محسوب می‌گردد. در ماده ۹۱ قانون مجازات عمومی به صورت تلویحی سه معیار «درک ماهیت جرم»، «درک حرمت جرم» و «شبهه در رشد و کمال عقل» ذکر شده است. بنابر مدعای پژوهش اطفال غیرممیز از درک ماهیت افعال خود عاجز هستند و تبعاً دو معیار دیگر را نیز فاقدند. اما اطفال غیرممیز علاوه بر درک ماهیت افعال خود، حسن و قبح امور را درک می‌کنند، منتهی به دلیل اینکه شرع بلوغ را به عنوان سرآغاز تکلیف قرار داده است و هم‌چنین به دلیل آنکه درک و شناخت آنان در مراحل اولیه و ابتدایی قرار دارد (تمییز ناقص) از توجه تکالیف به اطفال مبرا دانسته است؛ یعنی عبادات بر او واجب نبوده، معاملات او نافذ نیست و حدود بر او جاری نمی‌شود.

در نتیجه از میان معیارهای مختلفی که برای تمییز ذکر شده است، معیار اساسی «معیار شناختی» است که بر اساس آن درک و فهم کودک از وقایع سنجش می‌شود و اما از آن رو که اولاً چنین درکی به حسب کودکان مختلف است، ثانیاً قانون‌گذاری در این خصوص اقتضا دارد - مانند بلوغ - یک معیار غالبی ارائه گردد، با توجه به این دو نکته و نیز جنبه تطبیقی بحث و روایات موجود می‌توان گفت در عبادات، سن هفت سال اماره غالبی برای سن تمییز است. در معاملاتی که فقها بعضاً حکم به صحت داده‌اند، سن ده سال معیار خواهد بود. بنابراین در کنار معیار شناختی، وجود سایر معیارها از جمله معیار سنی و معیار جسمی (قدرت و توانایی کودک) نیز باید ملاحظه گردد.

فهرست منابع

- ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر (۱۴۰۶ق). المهدب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۳۰ق). الجامع لعلوم الإمام أحمد - الفقه. قاهره: دارالفلاح.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر (بی تا). قرة العین الخیار لتکملة رد المحتار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار. بیروت: دارالفکر.
- ابولحیه، نورالدین (بی تا). حقوق الأولاد النفسیة و الصحیة. بیروت: دارالأنوار.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱ش). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.
- البانی، محمد ناصرالدین (بی تا). صحیح و ضعیف سنن أبی داود. برنامج منظومة التحقیقات الحدیثیة من إنتاج مرکز نور الإسلام.
- الهام، غلامحسین، و برهانی، محسن (۱۴۰۱ش). درآمدی بر حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- انصاری شیرازی، قدرت الله (۱۴۲۹ق). موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- بدرالعینی، محمود بن احمد (۱۴۲۰ق). البناية شرح الهدایة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بهوتی، منصور بن یونس (بی تا). کشف القناع عن متن الإقناع. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ترحینی عاملی، سید محمدحسن (۱۴۲۷ق). الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة. قم: دارالفقه.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴ق). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام. قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الإسلامی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی احکام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- همو (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حیدر، علی (۱۴۰۱ق). درر الحکام فی شرح مجلة الأحکام. بیروت: دارالجیل.
- خطیب شریب، محمد بن احمد (بی تا). مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج. بیروت: دارالمعرفة.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۲۷ق). سیر أعلام النبلاء. قاهره: دارالحديث.

- رضایی زارچی، الهام (۱۳۹۰ش). بررسی فقهی افعال صبی ممیز براساس آراء شیخ طوسی و امام خمینی (پایان نامه کارشناسی ارشد). یزد: دانشگاه یزد.
- زحیلی، وهبه (۱۴۰۹ق). الفقه الإسلامی و أدلته. دمشق: دارالفکر.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مذهب الأحكام. قم: مؤسسه المنار.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق). المبسوط. بیروت: دارالمعرفة.
- سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ق). المراسم العلویة. قم: منشورات الحرمین.
- شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۱۰ق). الأم. بیروت: دارالمعرفة.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقیة. بیروت: دارالتراث.
- صالحی دوغایی، مصطفی (۱۳۹۸ش). ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در سنجه مبانی و اجرا (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- همو (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- همو (۱۳۶۵ش). تهذیب الأحكام. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- همو (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: المكتبة المرتضویة.
- همو (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی.
- فاضل مقداد (سیوری حلی)، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳ق). نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- فتح اللهی، زهرا (۱۳۹۵ش). تبیین ماهیت رشد و تمییز و احکام آن در فقه فریقین و حقوق موضوعه (پایان نامه کارشناسی ارشد). قم: دانشگاه قم.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: اسماعیلیان.
- فلاون، جان. اچ (۱۳۷۷ش). رشد شناختی (ترجمه فرهاد ماهر). تهران: رشد.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۸۴ق). الجامع لأحكام القرآن. قاهره: دارالکتب المصریة.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کرباسی، منیژه (۱۳۹۷ش). روانشناسی رشد. تهران: پیام نور.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲ش). جامعه‌شناسی (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- ماسن، پاول هنری (۱۳۶۸ش). رشد و شخصیت کودک (ترجمه مهشید یاسایی). تهران: نشر مرکز.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
- مرداوی، علی بن سلیمان (بی‌تا). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- همو (۱۴۱۱ق). نهاییه المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- میرسعیدی، منصور (۱۳۸۳ش). مسئولیت کیفری؛ قلمرو و ارکان. تهران: نشر میزان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نووی، یحیی بن شرف (۱۴۰۸ق). تحریر التنبیه. دمشق: دار القلم.
- همو (۱۴۱۲ق). روضة الطالبین و عمدة المفتین. بیروت: المکتب الإسلامی.
- همو (۲۰۰۵م). المجموع شرح المهدب. ریاض: بیت الافکار الدولية.
- همدانی، مصطفی (۱۳۹۵ش). کیفر اخروی کودک مراهن در تجاوز به حقوق و اموال دیگران. پژوهشهای فقهی، ۱۲(۳)، ۶۳۱-۶۶۲. doi: 10.22059/jorr.2016.59927